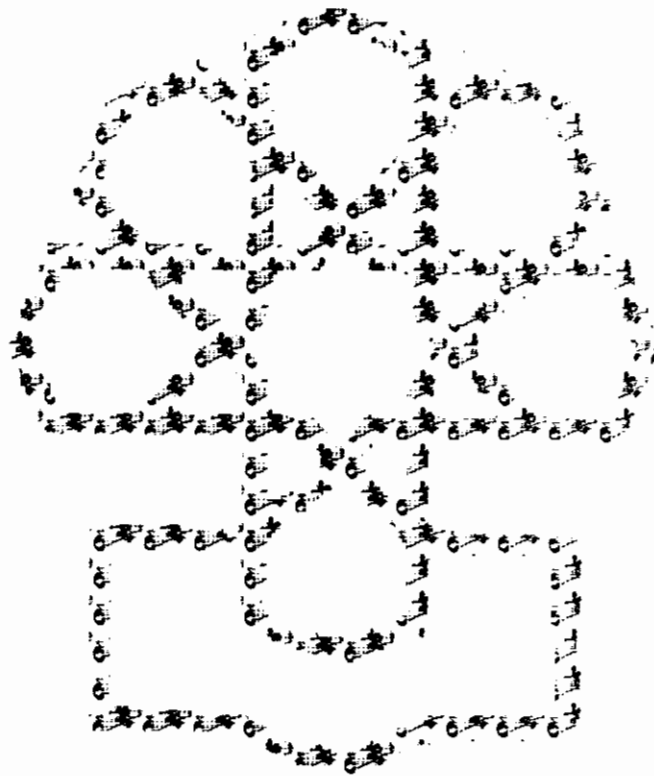


۴۳۴۳
X



صادرات و رشد اقتصادی در آفریقا: تأملی در رابطه علیت



معاونت پژوهشی
شماره ۱۳۷۸

کار: دفتر بررسی های اقتصادی

این مقاله ترجمه ای است از:

Yaghmaian, B. "Exports and Economic Growth in Africa" Review
of Radical Political Economics, Vol. 27 (3), 1995, PP. 72-75.

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۱۳۰۹۲
تاریخ: ۷۸/۹/۲۳

کد گزارش: ۲۴۰۴۳۴۳

بسمه تعالی

صادرات و رشد اقتصادی در آفریقا: تأملی در رابطه علیت

کد گزارش: ۲۴۰۴۳۴۳

مقدمه

این مقاله درصدد است مزایای سیاست تشویق صادرات در آفریقا را با استفاده از آزمون رابطه علی میان رشد صادرات و رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار دهد. در سالیان اخیر سیاست‌های تجاری نئولیبرال تحت هدایت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^۱ مقبولیت فزاینده‌ای در محافل توسعه‌چی کسب کرده‌اند و تشویق صادرات نیز محور سیاست‌های توسعه‌ای بانک جهانی برای کشورهای در حال توسعه خواهان و ام شده است. موفقیت‌های کره جنوبی، تایوان و سایر کشورهای تازه صنعتی شده^۲ تشویق صادرات را به برنامه توسعه برای همه کشورهای در حال توسعه، از جمله فقیرترین کشورهای آفریقایی، تبدیل کرده است.

از یک سو مسائل اجتماعی و اقتصادی حاد قاره آفریقا و از دیگر سو نقش تاریخی آفریقا در تقسیم‌کار بین‌المللی سبب انتخاب این قاره به عنوان موضوع تحقیق در این مقاله شده است. اغلب کشورهای آفریقایی تحت فشار طاقت‌فرسای فقر شدید، سوء تغذیه، بیماری، قحطی‌های غیر مترقبه مکرر و سایر مصایب اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. همچنین آفریقا حد نصاب بسیار ضعیفی از شاخص‌های اجتماعی مورد توافق همگان از قبیل امید به زندگی در بدو تولد، دسترسی به آب سالم و غیره را به معرض نمایش می‌گذارد.^۳

- آفریقا مثل اعلای پذیرش مدل‌های تجارت بین‌المللی مورد توصیه نظریه تجارت نئوکلاسیکی - شالوده نظری سیاست تشویق صادرات - است. طی ده‌ها سال، صادرات بخش مهمی از اقتصادهای آفریقایی بوده است. در سال ۱۹۸۹، صادرات قسمت عمده‌ای از تولید داخلی بیشتر کشورهای این قاره شامل ۳۴ درصد در نیجریه، ۴۵ درصد در تانزانیا، ۵۱ درصد در کنگو و ۶۴ درصد در بوتسوانا بود.^۴

- قاره آفریقا طی دوره استعماری به عنوان منبع مواد خام و کالاهای اولیه برای اقتصادهای اروپایی به کار می‌رفت.^۵ در دوره پس‌استعماری، مدل‌های آفریقایی تخصصی شدن و تجارت عمدتاً بدون تغییر باقی ماند. عمده صادرات آفریقا به بقیه جهان شامل محصولات بخش معدنی و کشاورزی بود. در سال ۱۹۸۹، صادرات کالاهای اولیه (شامل محصولات معدنی و کشاورزی) در اتیوپی ۹۷ درصد، در تانزانیا ۸۸ درصد، در سومالی ۹۶ درصد، در مالاوی ۹۴ درصد، در چاد ۹۰ درصد و در بروندي ۹۳ درصد از کل

1. IMF.

2. NICS.

3. World Bank 1993b.

4. World Table 1991: Table 9.

5. Mynt 1958; Amin 1990.

صادرات را شامل می‌شد. در سایر کشورهای آفریقا نیز همین الگوهای تجارت وجود دارد.^۱ گسترش نظام محصول فروشی برای صادرات در کشاورزی (عمدتاً قهوه، کائوچو، کاکائو و چای) موجبات تخصصی شدن بیشتر آفریقا در زمینه تولید کالاهای اولیه کاربر و زمین بر را فراهم کرده است.

صادرات کشاورزی به تنهایی بیش از ۸۵ درصد از کل صادرات در بورکینافاسو، رواندا، کنیا، سودان و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی را تشکیل می‌دهد. بعضی کشورهای آفریقایی در دوره پسا استعماری توانسته‌اند برای خود شالوده‌ای صنعتی دست و پا کنند و موقعیت‌شان را در تقسیم‌کار بین‌المللی به نسبت تغییر دهند. برای مثال، سهم سازندگان کالاهای مصرفی سبک از کل صادرات در سال ۱۹۸۹ در موزامبیک ۴۷ درصد، در جمهوری مرکزی آفریقا ۵۲ درصد و در زیمبابوه ۶۴ درصد بوده است.^(۱)

توجه: اندیس‌های بالا که داخل پرانتز قرار دارند مربوط به یادداشت‌ها در انتهای گزارش می‌باشند.

آیا پذیرش سیاست تجاری نئوکلاسیکی سبب رشد و توسعه اقتصادی مورد انتظار شده است؟ این مسئله موضوع تحقیق در مقاله حاضر است. این مقاله رابطه علی میان صادرات و رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی که درآمد را با به‌کارگیری آزمون علیت گرانجر مورد بررسی قرار می‌دهد. در گام اول، دکتترین «موتور رشد» و سیاست تشویق صادرات به اجمال مرور می‌شود و سپس مطالعات تجربی درباره روابط علی میان صادرات و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد از آن، شیوه آزمون علیت گرانجر و نتایج تجربی و نیز نتایج مقاله ارائه می‌شود.

۱- تجارت به عنوان «موتور رشد»: مروری اجمالی

از بدو پیدایش اقتصاد سیاسی به عنوان علم به دست پیشگامان اقتصاد کلاسیک تا کنون، تجارت بین‌الملل و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی جایگاهی مهم در مباحثات مربوط به نظریه و سیاست اشغال کرده است. آدم اسمیت و جان استوارت میل، تجارت بین‌الملل را به چشم نیروی رانشی توسعه می‌نگریستند که از طریق تخصصی شدن و افزایش تقسیم‌کار، اقتصاد را به سطوح بالاتری از رشد اقتصادی رهنمون می‌شود.^۲ اعتقاد بر این بود که تجارت بین‌الملل از طریق گسترش تقسیم‌کار، نوآوری فنی را تشویق می‌کند و بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد و این امر به نوبه خود کشورهای تجارت‌کننده را قادر می‌سازد که از صرفه‌جویی‌های مقیاس و توسعه اقتصادی بهره ببرند.

آن‌گونه که ماینت به طرفداری از نظریه تجارت کلاسیک بحث کرده است،^۳ نظریه تجارت بین‌الملل اسمیت برای کشورهای در حال توسعه‌ای که عرضه زمین و نیروی کار بیکار یا کم کار دارند، بسیار مناسب است. مطابق با برداشت «مفری برای مازاد» از نظریه تجارت بین‌الملل، تجارت به کشورهای در حال توسعه مجال استفاده کار از منابع مازادشان را می‌دهد و تولید صادراتی را بدون این که نیازی به کاهش استفاده منابع برای تولید داخلی باشد افزایش می‌دهد.^(۴) ماینت استدلال می‌کند که کشورهای در حال توسعه برای تعقیب موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه‌ای‌شان باید «آن دسته از سیاست‌های معطوف به صادرات را در پیش

1. World Bank 1991: Table 16.

2. Smith 1937; Mills 1848.

3. Mynt. 1958.

4. Mynt 1958.

گیرند که ویژگی‌های فنی‌شان با ویژگی‌های فنی سیاست‌های معطوف به صادرات دولت‌های استعماری در گذشته چندان فرق نمی‌کند.^۱ بنابراین کشورهای در حال توسعه به پی‌گیری توسعه و صادرات مواد خام به عنوان موتور رشد و توسعه آینده‌شان توصیه می‌شوند.^۲

اثر رانشی تجارت بر توسعه در نظریه مزیت نسبی هکشر - اوهلین تکرار شد.^۳ بدون توجه به تفاوت‌ها در تکنولوژی، شرایط تولیدی و اختلاف در سطح توسعه اقتصادی، نظریه «مزیت نسبی» تنها بر مبنای تفاوت‌های نسبی در توزیع موجودی عوامل شکل گرفت. برخلاف نظریه «مفروضی برای مازاد» تجارت، نظریه هکشر - اوهلین اشتغال کامل منابع و سطح معینی از تکنولوژی تولیدی را مفروض گرفت. به پیروی از این نظریه تجارت بین‌الملل متکی بر منابع، کشورها به تخصصی شدن در تولید و صادرات کالاهایی توصیه می‌شدند که مستلزم کاربرد وسیع عوامل تولید به نسبت مازادشان بود.

تقسیم‌کار بین‌المللی موجد به وسیله این نظریه، به کشورهای در حال توسعه این نقش را سپرد که کالاهایی را عرضه کنند که در تولیدشان مزیت طبیعی دارند، یعنی مواد خام و کالاهای اولیه و در عوض تولیدات نهایی را از کشورهای توسعه یافته وارد کنند. از این قرار، در هر دو روایت کلاسیک و نئوکلاسیک از نظریه تجارت بین‌الملل، توصیه سیاستی برای کشورهای در حال توسعه یکسان و مشابه بود: تخصص در صادرات کالاهای اولیه در ازای دریافت محصولات صنعتی.^(۳)

بحث «موتور رشد» در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از طریق سیاست صنعتی شدن متکی بر صادرات که در واقع همان نسخه تجدیدنظر شده توصیه‌های سیاستی نظریه مزیت نسبی هکشر - اوهلین بود، دوباره احیا شد. حالا دیگر استدلال می‌شد که مزیت نسبی کشورهای در حال توسعه در زمینه دستمزدهای پایین و تولیدات کاربر است. علی‌رغم تغییر سیاست درباره کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه، اثر رانشی صادرات بر رشد اقتصادی به صورت ویژگی اصلی روایت‌های مختلف این تئوری باقی ماند. حالا دیگر استدلال می‌شد که رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با تخصصی شدن در صنایع سبک‌کاربر افزایش می‌یابد. به مدد مجموعه به نسبت بزرگی از تحقیقات تجربی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، رشد متکی بر صادرات به «خرده‌متعارف جدید» تبدیل شد.^(۴) این تحقیقات با درجات مختلف بدین نتیجه ختم شدند که صادرات به عملکرد اقتصادی بهتری (رشد بالاتر تولید) در کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود.

۲- رشد صادرات و رشد اقتصادی: رابطه علیت

مطالعات تجربی در حمایت از رشد متکی بر صادرات و دکتترین «موتور رشد» به واسطه این فرض ضمنی که جهت علیت از رشد صادرات به رشد تولید است زیر سؤال رفته‌اند. مطالعات جدید که با جونگ و مارشال^۵ شروع می‌شوند بر جهت علیت میان صادرات و رشد تمرکز کرده‌اند.^۶

1. Mynt 1958: 336.

2. Mynt 1958: 336.

3. Ohlin, 1967.

4. (World Bank 1993 a; Moschos 1989; Dollar 1991; Hatcher and Salvatore 1991; Tyler 1981; Kavoussi 1984; Feder 1985, 1983; Ram 1987, 1985; Emery 1967; Voivodas 1973; Michaely 1977).

5. Jung and Marshall 1985.

6. Dodaro 1993, 1991; Bahmani - Oskooee 1992; Love 1994; Jung & Marshall 1985; Chaw 1986; Hsio 1987; Sheehy 1990.

جونگ و مارشال با استفاده از آزمون علیت گرانجر^۱ جهت علیت میان رشد صادرات و رشد تولید را برای ۳۷ کشور مورد تحقیق قرار داده‌اند و تنها در ۴ کشور به نتایجی در حمایت از فرضیه تشویق صادرات رسیدند.^۲

این چهار کشور یعنی اندونزی، مصر، کاستاریکا و اکوادور، عملکرد باور نکردنی صادرات هیچ یک از چهار کشور کره، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور یا سایر کشورهای تازه صنعتی شده را به بار نیاورده‌اند. در سه کشور نتایج آزمون در حمایت از این فرضیه بود که رشد تولید به رشد بیشتر صادرات منجر می‌شود. در حالی که در نمونه‌ای از ۵ کشور دیگر، رشد اقتصاد رشد پایین تر صادرات را نتیجه می‌داد. به‌طور کلی، نتایج جونگ و مارشال برای فرضیه رشد متکی بر صادرات حمایت آماری فراهم نیاورد.

در مقاله‌ای جدیدتر دودارو در مطالعه‌ای درباره ۸۷ کشور در حال توسعه من حیث‌المجموع نتایج مشابهی به دست آورد.^۳ دودارو نیز با استفاده از آزمون علیت گرانجر برای نظریه نئوکلاسیک در هیچ یک از کشورهای تازه صنعتی شده هیچ تأیید و پشتیبانی نیافت. نتایج دودارو تنها در هفت کشور عمدتاً فقیر و کم‌درآمد در حمایت از فرضیه رشد متکی بر صادرات بود. مطالعه دودارو دوره زمانی ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۶ را در بر می‌گیرد. در حالی که بررسی جونگ و مارشال از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ را می‌پوشاند.

چاو با استفاده از آزمون علیت سیمز^۴ جهت علیت میان رشد صادرات صنعتی و تولید صنعتی را برای نمونه‌ای از ۸ کشور تازه صنعتی شده^۵ آزمون کرد. (۵) نتایج چاو وجود علیت یک سویه از صادرات به رشد تولید را فقط در مورد مکزیک و علیت دو سویه را در هنگ‌کنگ، اسرائیل، کره، سنگاپور و تایوان مورد تأیید قرار داد. چاو این نتایج را به عنوان تأییدی تجربی برای استدلالی پیشینی در باب گسترش صادرات به عنوان استراتژی توسعه تفسیر کرد.^۶

بررسی ۲۰ کشور در حال توسعه به کوشش بهمنی، اسکویی و دیگران، نتایج ناقصی درباره رابطه علی میان صادرات و رشد اقتصادی به دست داد.^(۶) ۵ کشور (جمهوری دومینیک، اندونزی، کره، تایوان و تایلند) رابطه علیت مثبت را نشان دادند در حالی که سه کشور (السالوادور، پاراگوئه و پرو) رابطه علیت منفی از صادرات به رشد اقتصادی را آشکار کردند. رابطه علیت مثبت از تولید به رشد صادرات در مورد ۴ کشور (کره، نیجریه، آفریقای جنوبی و تایلند) یافت شد. اندونزی رابطه علیت منفی از رشد تولید به صادرات را نشان داد. در سال ۱۹۹۴ لاو و ۲۰ کشور در حال توسعه را با استفاده از روش مشابه مورد بررسی قرار داد^۷ که در مجموع نسبت به مطالعات قبلی حمایت قوی‌تری از رابطه علیت از صادرات به رشد اقتصادی پیدا کرد. نتایج لاو رابطه علیت یک‌سویه مثبت و از لحاظ آماری با معنی‌ای از صادرات به رشد تولید در مورد ۷ کشور نشان داد و در مورد ۴ کشور نیز علیت منفی را به نمایش گذاشت. همچنین برای سه کشور رابطه علیت دو سویه مثبت و از لحاظ آماری با معنی‌ای به دست آمد.^۸ این نتیجه را لاو به عنوان نشانه «حمایت قوی برای این فرضیه تفسیر کرد که رشد صادرات، X، سبب رشد تولید، Y، می‌شود»^۹.

1. Granger, 1969.

2. Jung & Marshall, 1985.

3. Dodaro 1993.

4. Sims 1972.

5. NICS.

6. Chaw 1987:60.

7. Love 1994.

8. Love 1994: Table 1.

9. Love, 1994: 209.

نتایج مطالعات تجربی درباره روابط علی میان رشد صادرات و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه علی‌رغم تفاوت‌های شان کاملاً نامطمئن و غیر قاطعانه است.

۳- صادرات و رشد اقتصادی در آفریقا: آزمون علیت گرانجر

در اینجا از آزمون علیت گرانجر^۱ استفاده شده است تا رابطه علی میان جهت صادرات و رشد اقتصادی برای نمونه‌ای مرکب از ۴۴ کشور قاره آفریقا با استفاده از داده‌های سالانه جداول جهانی بانک جهانی آزمون شود.^۲ کشورهای مربوطه کشورهایی اند که بانک جهانی آنها را در طبقه «اقتصادهای کم درآمد» و «اقتصادهای با درآمد متوسط یا پایین‌تر از متوسط» طبقه‌بندی کرده است. این نمونه دوره زمانی ۳۲ ساله‌ای را در فاصله ۱۹۶۰ و ۱۹۹۲ در بر می‌گیرد. این طول‌ترین داده‌های سری زمانی سازگار است که برای تعداد به نسبت زیادی از کشورهای آفریقایی موجود است. همچنین این دوره زمانی برای اغلب ملل آفریقایی با دوره پسا استعماری منطبق است. بیشتر کشورهای آفریقایی در دهه ۱۹۸۰ با کاهشی در رشد اقتصادی مواجه شدند. در بررسی حاضر، این نمونه، سالیان نرخ رشد بالا و سالیان رشد پایین یا منفی در دهه ۱۹۸۰ را در بر می‌گیرد.

روش آزمون علیت گرانجر را می‌توان به طور صوری به شکل ذیل معرفی کرد:

$$GY_t = a + \sum_{i=1}^m \alpha_i GY_{t-i} \quad (1a)$$

$$GY_t = a + \sum_{i=1}^m \alpha_i GY_{t-i} + \sum_{i=1}^m \beta_i GX_{t-i} \quad (1b)$$

$$GX_t = b + \sum_{i=1}^m \lambda_i GX_{t-i} \quad (2a)$$

$$GX_t = b + \sum_{i=1}^m \lambda_i GX_{t-i} + \sum_{i=1}^m \pi_i GY_{t-i} \quad (2b)$$

GDP = Y منهای صادرات به قیمت‌های سال ۱۹۸۷؛

GY = نرخ رشد Y؛

X = سهم نسبی صادرات در GDP؛

GX = نرخ رشد X؛

m = تعداد وقفه‌ها.

طبق آزمون گرانجر، متغیر X در صورتی علت متغیر Y محسوب می‌شود که با استفاده از مقادیر گذشته X بهتر بتوان مقدار کنونی Y را پیش‌بینی کرد. بنابراین Y معلول گرانجری X است اگر X در پیش‌بینی Y کمک کند. این مطلب برای زمانی است که مجموع ضرایب مقادیر گذشته X (از لحاظ آماری) با معنا باشد.

شایان ذکر است که در اغلب مطالعات تجربی پیشین، تولید کل و سطح صادرات برای آزمون دکترین رشد متکی بر صادرات به کار برده می‌شوند. طبق تعریف، چون صادرات قسمتی (و غالباً قسمت بزرگی) از تولید ناخالص داخلی است، رشد صادرات به رشد تولید تعبیر می‌شود. به منظور اصلاح این نقص و نیز

1. Granger, 1969.

چون هدف مقاله حاضر بررسی رابطه علی میان رشد صادرات و اجزای غیرصادراتی GDP است، تفاوت میان GDP و صادرات در تخمین‌های رگرسیونی به عنوان متغیر تولید به کار رفته است.^۱ به علاوه، سهم صادرات در تولید کل به جای سطح صادرات، به عنوان سنجه تقریبی عملکرد صادرات به کار رفته است.^۲

معادلات (۱a) و (۱b) برای آزمون جهت علیت از متغیر صادرات به رشد GDP به کار رفته است، در حالی که معادلات (۲a) و (۲b) روابط علی از سوی رشد تولید به صادرات را آزمون می‌کنند. در همه موارد، متغیر وابسته روی مقادیر گذشته خود و مقادیر گذشته متغیر دیگر برازش داده می‌شود.

نتیجه آزمون گرانجر به طول وقفه‌های به کار رفته در این روش حساسیت بسیاری دارد. در کل، استفاده از وقفه‌های طولانی بهتر از وقفه‌های کوتاه است زیرا این آزمون بر پایه مناسبت و قدرت پیش‌بینی کنندگی مقادیر گذشته متغیر انتخاب شده است. در آزمون علیت گرانجر در موارد قبلی که توسط دودارو و جونگ و مارشال برای صادرات و رشد GDP به کار رفت، برای همه متغیرهای معادله حداکثر دو وقفه به کار برده شد. نظر به این که در مقاله حاضر نمونه به نسبت بزرگ‌تری (۳۰ ساله) به کار رفته است، در همه موارد وقفه یکنواخت ۴ ساله به کار می‌رود.

انتخاب طول وقفه‌ها به خاطر اندازه‌های کوچک نمونه در مورد کشورهای در حال توسعه و نیز به خاطر از دست دادن درجه آزادی به واسطه کاربرد وقفه‌های بیشتر با محدودیت مواجه است. اگرچه وقفه‌های طولانی‌تر برای این آزمون مطلوب است، از دست دادن درجه آزادی به سبب وقفه بیشتر قوت نتایج را کاهش می‌دهد. به طور کلی، در مورد نتایجی که قاطع هستند می‌توان اطمینان بیشتری داشت. آزمون علیت گرانجر با ایجاد آماره F تکمیل می‌شود تا محرز کند که آیا فرضیه‌های صفر ذیل را می‌توان پذیرفت یا خیر:

$$H_0: \beta_i = 0, i = 1, \dots, m.$$

$$H_0: \pi_i = 0, i = 1, \dots, m.$$

رد اولین فرضیه دال بر این است که اگر $\sum \beta_i$ مثبت باشد صادرات علت رشد GDP است و اگر $\sum \beta_i$ منفی باشد صادرات رشد GDP را کاهش می‌دهد. اگر دومین فرضیه صفر رد بشود، جهت علیت از GDP به سمت صادرات جریان دارد. در اینجا دوباره، علامت مثبت برای $\sum \pi_i$ دال بر این است که رشد GDP صادرات بیشتری را ایجاد می‌کند. حال آن که علامت منفی برای $\sum \pi_i$ نشانگر اثر معکوس بر روی صادرات توسط رشد GDP است. در حالتی که هر دو فرضیه‌های صفر رد شوند، اثر بازخوردی و دوسویه در اقتصاد وجود دارد. اگر هیچ یک از فرضیه‌های صفر رد نشوند، میان دو متغیر مورد نظر نمی‌توان رابطه‌ای علی متصور شد.^۳

پیش از اجرای تخمین مدل، داده‌ها برای مسئله ایستایی مورد آزمون قرار گرفتند. هر متغیر بر روندی خطی برازش شد و آماره‌های t حاصله مورد بررسی قرار گرفتند تا وجود روند را در داده‌ها آزمون کنند.^۴ همبستگی سریانی درجه اول هر کجا که لازم بود تصحیح شد. در میان ۴۱ کشور مورد آزمون، تنها در سه مورد نتایج نشانگر نقض ایستایی بودند: جی‌بوتی برای هر دو متغیر GY و GX، اوگاندا برای GY،

1. Heller and Porter 1978; Sheehy 1993; Love 1994.

2. Michaely 1977; Love 1994; Sheehy 1993.

3. Hsiao 1981; Bahmani - Oskooee et al. 1990; Love 1994.

وگینه‌بیسانو برای GY. استفاده از تفاضل اول در این سه مورد مشکل روند را اصلاح کرد.¹ نتایج نهایی آزمون علیت در جدول یک گزارش شده است. این جدول آماره‌های F و علامت و مقدار مجموع ضرایب متغیر علی برای هر کشور را نشان می‌دهد. فقط شش کشور شامل کامرون، ماداگاسکار، زئیر، جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج و گینه، از دکترین تشویق صادرات مشعر بر این که عملکرد بالاتر صادرات سبب نرخ بالاتر رشد GDP می‌شود، حمایت آماری به عمل آوردند. در مورد سومانی نتایج به سبب علامت منفی ضریب متغیر رشد صادرات، اثر کاهنده رشد صادرات را نشان دادند.

همچنین نتایج برازش فقط در ۳ کشور شامل موریتانی، سوازیلند و کنگو برای فرضیه مخالف که بر طبق آن رشد GDP سبب عملکرد بهتر صادراتی می‌شود، حمایت آماری فراهم کردند. در بورکینافاسو و گامبیا، نتایج حاکی از اثر منفی رشد اقتصادی بر عملکرد صادرات بودند. در مورد چاد، اثر باز خورد و دوسویه میان رشد GDP و عملکرد صادرات به دست آمد. در سایر موارد، هیچ گواه آماری درباره روابط علی میان این متغیرها به دست نیامد.

از این قرار، با مفروض گرفتن نتایج حاصل از مقاله حاضر، قضیه رشد متکی بر صادرات در آفریقا خیلی ضعیف است و با شواهد تجربی به اثبات نمی‌رسد. برای ۸۷ درصد از کشورها در این نمونه، آزمون علیت این نظر را حمایت نمی‌کند که عملکرد بهتر صادرات علت رشد اقتصادی است. همچنین نتایج حاصله این نظر مخالف را نیز که رشد اقتصادی علت رشد صادرات است حمایت نمی‌کند.

ملاحظات پایانی

فقدان حمایت تجربی کافی برای جهت علیت از صادرات به رشد اقتصادی باید سبب نگرانی درباره عقلانیت و فایده سیاست‌های توسعه‌ای آفریقا شود که بر دکترین موتور رشد مبتنی است. در هر دو دوره استعماری و پسا استعماری، ساختار اقتصادی آفریقا به طور اساسی تحت تأثیر توصیه‌های سیاستی نظریه تجارت از تکسی و تقسیم کار بین‌المللی مورد نظر آن، بوده و از آن شکل پذیرفته است. آفریقا همچنان عرضه‌کننده کم هزینه محصولات معدنی و کشاورزی به بازار جهانی و صنایع اروپایی باقی مانده است.

1. Hsiao 1981.

جدول ۱- آزمون علیت گرانجر میان عملکرد صادرات و رشد اقتصادی برای ۴۴ کشور آفریقایی

H۰: عملکرد صادرات معلول رشد تولید نیست			H۰: رشد تولید معلول عملکرد صادرات نیست			کشور
رد H۰	$\sum \pi_i$	F	رد H۰	$\sum \beta_i$	F	
	۰.۱۲	۱.۲۹		-۱.۹۳	۱.۳	انگولا
	۰.۴۸	۰.۷۸		-۰.۹	۰.۶۶	بونسوان
	۰.۰۰۱	۰.۵۵		۰.۳۱	۰.۵۸	بروندی
	-۰.۵۵	۰.۵۸		۱.۱۳	۱.۲۸	جیبوتی
	۰.۶	۱.۲۷		۰.۳۴	۱.۵	اتیوپی
	۰.۵۳	۰.۹۷		-۰.۶	۰.۲۱	کنیا
	-۰.۴۲	۱.۷۹		۰.۲۱	۰.۵۲	لسوتو
	-۱.۵۹	۰.۲۱	در ۱۰ درصد	۲.۰۲	۲.۳	ماداگاسکار
	۰.۵۵	۱.۰۲		۰.۴۲	۰.۷۱	مالاوی
در ۱۰ درصد	۰.۴۱	۲.۶۹		۰.۸۹	۲.۲	موریتانی
	۰.۲۵	۰.۶۶		-۰.۵۹	۰.۶۳	نامیبیا
	۰.۶۸	۰.۹۴		۰.۲۷	۱.۴۹	رواندا
	۰.۱۴	۰.۲۸		-۰.۲۶	۰.۲۹	مجموعه جزایر سی شل
	۰.۰۱	۱.۹	در ۱۰ درصد	-۰.۲۱	۲.۷	سومالی
	۱.۴۱	۰.۵۹		-۰.۰۳	۰.۲۳	سودان
	۱.۰۴	۳.۲		-۳.۲	۱.۴	سوازی لند
	۰.۰۱	۰.۶۳		۰.۰۲	۰.۲۳	تانزانیا
	-۱.۴۲	۰.۸۴		۰.۲	۱.۳۹	اوگاندا
	-۰.۴	۱.۸	در ۱۰ درصد	۰.۰۱	۳.۹	زئیر
	۰.۷۶	۰.۵۳		۰.۷۳	۰.۳۸	زامبیا
	۰.۴۲	۲.۱		-۰.۳	۱.۲	زیمبابوه
	۰.۹۲	۰.۵۱		۰.۰۴	۰.۳۹	بنین
	-۰.۸۶	۴.۳		۰.۱۱	۱.۰۷	بورکینافاسو
	۰.۵۱	۰.۸۲		۰.۵۱	۲.۸	کامرون
	۰.۱۲	۱.۷۶	در ۱۰ درصد	۰.۰۵	۲.۲۷	جمهوری آفریقایی مرکزی
در ۱۰ درصد	۰.۰۳	۲.۸		۱.۱	۱.۱۹	کنگو
		۱.۵	در ۱۰ درصد	۱.۶		ساحل عاج
	-۰.۰۴	۱.۵۸		۳.۲	۱.۵	غنا
	-۱.۰۰	۰.۴۲	در ۱۰ درصد	۰.۱۹	۴.۶	گینه
در ۱۰ درصد	-۱.۴۴	۲.۷		۰.۳	۱.۵	گامبیا
	-۱.۰۱	۰.۸۳		-۰.۶۷	۰.۵۸	گینه بیسائو
	۱.۵	۰.۳۷		۰.۵۴	۱.۶	گینه استوایی
در ۱۰ درصد	۱.۵	۲.۳		-۱.۴	۰.۹۹	لیبی
	۱.۵۶	۱.۰۵		-۰.۲۴	۱.۸	مالی
	۰.۷	۰.۸۱		۰.۱۱	۰.۷	موریتانی
	-۰.۵	۱.۷۲		-۰.۰۱	۰.۳۲	نیجر
	۱.۹	۰.۷۳		۰.۱	۰.۵۱	نیجریا
	-۱.۲	۱.۸۹		-۰.۵	۱.۶	سنگال
	۰.۴	۰.۱۹		۰.۴۷	۲.۱۵	سیرالئون
	۱.۱	۱.۰۹		۰.۰۷	۲.۰۵	سواتوه و بیرنسیب
در ۱۰ درصد	۲.۹	۴.۸	در ۱۰ درصد	۰.۰۷	۴.۵	چاد
	۰.۹۱	۱.۸۹		۱.۸۲	۱.۶	توگو
	۱.۳	۰.۸۶		۰.۱	۰.۷۳	بور

سه دهه پس از آزادسازی سیاسی، آفریقا هنوز در دام فقر شدید، سوء تغذیه، گرسنگی و قحطی ادواری و توسعه نیافتگی شدید است. در پایان قرن بیستم، قاره آفریقا در زمینه درآمد سرانه، امید به زندگی و بسیاری از شاخص های اجتماعی دیگر توسعه، کمترین استانداردها را دارد. اما توصیه های سیاستی برای آفریقا هنوز تحت تأثیر قرار نگرفته است. بانک جهانی، عامل پیشتاز وام دهی بین المللی و ارائه کننده سیاست توسعه ای برای مثل وام گیرنده، هنوز به پیشنهاد آن نوع استراتژی توسعه برای این قاره ادامه می دهد که بر صادرات محصولات معدنی و کشاورزی، کاهش نرخ برابری پول ملی، آزادسازی تجاری و غیره، اتکا دارد.^۲

ارائه تحلیل تاریخی درباره کشاورزی و صنعتی شدن در آفریقا فراتر از حوزه مقاله حاضر است. نیز در این مقاله مجال ورود به بحثی مفید درباره استراتژی های توسعه ای جایگزین برای کشورهای این قاره وجود ندارد. اما با مفروض گرفتن نتایج این مقاله و شرایط موجود اجتماعی و اقتصادی آفریقا، می توان به فمرس قاطع گفت که سیاست های سنتی توسعه ای متکی بر دکترین موتور رشد در کسب اهداف مورد نظرشان ناکام بوده اند. اوضاع بحرانی مینیون ها آفریقایی فقر زده به تغییری اساسی در استراتژی توسعه حکم می کند.

یادداشت ها

۱- علی رغم نقش قابل توجه کشاورزی در کل اقتصاد و بازار صادرات، بیشتر ملل آفریقایی به شدت بر واردات مواد غذایی برای تغذیه مردمانشان متکی هستند. برای مثال، در مورد سومالی، کشاورزی ۹۶ درصد صادرات تجاری و ۶۵ درصد از GDP را در سال ۱۹۸۹ شامل می شد. در همین سال واردات مواد غذایی ۲۹ درصد از کل واردات سومالی بود. همین الگو در بنین، موریتانی، کوت دلوژی و بسیاری از کشورهای آفریقایی دیگر وجود دارد.

۲- در این استدلال، متن منقول ذیل از ثروت ملل اسمیت به کرات مورد استفاده قرار می گیرد:

«تجارت خارجی در هر کجا که دنبال شود، مردم را به کسب دو منفعت متمایز رهنمون می شود. تجارت خارجی برای محصولات بخش مازادی از زمین و نیروی کار که آن ملت متقاضی اش نیستند مشتری دست و پا می کند و در عوض برایشان چیزهایی را به ارمغان می آورد که متقاضی اش هستند. تجارت خارجی از طریق مبادله محصولات زائد آنان با تولیدات دیگر برای آن تولیدات زیادی ارزش ایجاد می کند که می تواند بخشی از خواسته های آنان را برآورد و در نتیجه خوشی شان را فزونی می بخشد. به مدد تجارت آزاد، محدودیت بازار داخلی مانع از تقسیم کار در هیچ رشته خاصی از صنعت نمی شود و از این طریق بیشترین رقابت ممکن می شود. با دسترسی به بازار وسیع تر، همه نوع تولیدات نیروی کار از مصرف داخلی آنها تجاوز می کند و لذا از این طریق تجارت خارجی بهبود نیروهای تولیدی را ترغیب می کند و تولید سالانه ملت را به بالاترین حد افزایش می دهد.»^۳

1. World Bank 1993b.

2. Amin 1990.

3. Smith 1937: 415.

این استدلال را جان استوارت میل نیز تکرار کرد^۱. همان‌طور که میل می‌گوید: «کشوری که برای بازاری بزرگ‌تر از بازار خودش تولید می‌کند، می‌تواند تقسیم‌کار گسترده‌تری را بنیاد نهاد و قادر است از ماشین‌آلات استفاده بیشتری کند و احتمال نوآوری و بهبود در فرایند تولید را فزونی بخشد»^۲.

۳- نقش «موتور رشد» تجارت بین‌المللی را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم گروه‌های مختلفی از اقتصاددانان به زیر سؤال بردند^۳. استدلال شد که تجارت بین‌الملل نه فقط موتور رشد نیست بلکه از طریق «تضعیف رابطه تجاری» یا «مبادله نایاب» مهمترین عامل بازدارنده رشد در کشورهای در حال توسعه است. از این رو، تغییر در تقسیم‌کار بین‌المللی از طریق سیاست صنعتی شدن جایگزینی واردات توصیه رایج برای کشورهای در حال توسعه شد.

۴- معادله رشد ذیل در مطالعات جدیدتر برای آزمون فرضیه اثر مثبت صادرات بر رشد اقتصادی به کار رفته است:

$$RY = b_0 + a \frac{I}{Y} + b_2 RL + b_3 RX$$

که

RY = نرخ رشد GNP

I/Y = نسبت سرمایه‌گذاری به درآمد، جانشینی برای رشد موجودی سرمایه

RL = نرخ رشد نیروی کار

RX = نرخ رشد صادرات

(a) تولید فیزیکی نهایی سرمایه و (b₂) و (b₃) کشش‌های تولید نسبت به نیروی کار و صادرات هستند. مطالعات جدیدتر برخی سنجه‌های آموزش و سرمایه‌انسانی را به عنوان متغیرهای توضیحی در برابر رشد در بر گرفته‌اند^۴.

۵- در آزمون علیت گرانجر میان دو متغیر، هر متغیر بر روی مقادیر گذشته خودش و مقادیر متغیرهای دیگر برازش می‌شود. سیمز آزمون‌های برون‌زا را برای وجود علیت یک سویه به وجود آورد. در آزمون علیت سیمز، متغیر درون‌زا بر روی مقادیر گذشته، حال و آینده متغیر برون‌زا برازش داده می‌شود.

۶- بهمنی، اسکویی و دیگران، معیار وقفه بهینه آکایکی را در آزمون علیت گرانجر برای برزیل، جمهوری دومینیکن، السالوادور، یونان، گویان، هندوراس، اندونزی، جامائیکا، کره، مراکش، نیجریه، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، آفریقای جنوبی، سری لانکا، تایوان، تایلند و تونس به کار بردند.

۷- در اینجا آزمون علیت گرانجر به کار می‌رود زیرا روشن و ساده است و درجه آزادی بیشتری را ممکن می‌سازد. برای بحثی انتقادی از آزمون‌های علیت مختلف به نگاه کنید.

۸- باید تأکید شود که سهم صادرات از تولید برای جهت‌گیری صادرات سنجه‌ای بسیار ناقص است. «نرخ ارز مؤثر» سنجه‌ای بهتر اما پیچیده‌تر است.

۹- آماره F ذیل برای آزمون فرضیه صفر فوق محاسبه شد:

$$F = \frac{(SSR_1 - SSR_2)/df_1}{SSR_2 / df_2}$$

1. Mill 1848.

2. Mill 1848, quoted in Meier 1989: 382.

3. Emmanuel 1972; Amin 1974; Lewis 1978; Myrdal 1959; Baran 1957; Prebisch 1962.

4. World Bank 1993.

5. Bahmani - Oskooee (1992), Kang (1989) و Hsio (1981).

که $f = \text{آماره } F$ ، $SSR_1 = \text{حاصل جمع مربع باقی مانده‌ها از رگرسیون اصلی بدون متغیر مستقل تأخیری}$ ؛ $SSR_2 = \text{حاصل جمع مربع باقی مانده‌ها از رگرسیون متغیرهای مستقل تأخیری}$ ، $df_1 = \text{تعداد محدودیت‌های اضافی تحمیلی بر رگرسیون وقتی که متغیر مستقل تأخیری وارد می‌شود}$ ؛ $df_2 = \text{درجه آزادی برای رگرسیون با متغیر مستقل تأخیری هستند}$.

۱۰- در اینجا تفاضل دوم استفاده نشد.